

لغت نامه تفسیری

جدیدترین لغت نامه تدری قرآن

این لغت نامه، شماره را در ادبی تحلیل و
تدری تفسیری قرآن کریم قرار می دهد.
در این لغت نامه با تازه ترین سخنان ادبی روبه رو خواهید شد.

انتشارات آوای قرآن تقدیم می کند

ابوالفضل بهرام پور

سرشناسه	بهرام پور، ابوالفضل، ۱۳۲۰ -
عنوان قراردادی	لغت نامه تفسیری / ابوالفضل بهرام پور
مشخصات نشر	قم: آوای قرآن، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	۱۳۲۰ ص
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۹۴۹۱۶-۴-۵
وضعیت فهرست نویسی	فیا
موضوع	قرآن -- واژه نامه ها -- فارسی
موضوع	Qur'an -- Dictionaries -- Persian
رده بندی کنگره	BP ۶۸
رده بندی دیویی	۲۹۷/۱۳ فا
شماره کتابشناسی ملی	۶۲۱۷۸-۴

www.ketab.ir

لغت نامہ تفسیری

جدیدترین لغت نامہ تدبیری قرآن

ابوالفضل بہرام پور

- مؤلف: ابوالفضل بہرام پور
- ناشر: آوی قرآن
- نوبت چاپ: اول / ۱۴۰۱
- شمارگان: ۳۰۰۰ نسخہ
- لیتوگرافی و چاپ: چاپخانہ بوستان کتاب
- شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۴۹۱۶-۴-۵

www.ketab.ir

۲۵۰۱



قسم: خیابان شہداء (صفائیہ) روپوری مسجد رفعت - کرجہ ۳۲ - پلاک ۴۱
تلفن تماس: ۰۲۵۳۷۷۴۱۰۰۴ / همراه: ۰۹۱۲۵۵۳۰۴۰۱
سایت: www.bahrampur.com
شعبہ پاساژ قدس قم: ۳۷۷۴۲۳۴۸ - ۰۲۵

چگونگی استفاده

این لغت‌نامه به طور کلی با بقیه لغت‌نامه‌های قرآن کریم فرق می‌کند.

ما فقط وقتی به توضیح لغتی از قرآن احتیاج پیدا می‌کنیم، به لغت‌نامه رجوع می‌کنیم ولی لغت‌نامه تفسیری حاضر، یک کتاب مطالعه و تدبیر است چه به لغت قرآن احتیاج پیدا کنیم یا نکنیم.

اینک خصوصیات این کتاب:

۱- صفحات این لغت‌نامه بر اساس صفحات قرآن کریم شماره گذاری شده است. مثلاً اگر شما در صفحه ۲۷۵ قرآن، به توضیح لغتی احتیاج پیدا کردید، صفحه ۲۷۵ لغت‌نامه تفسیری را باز می‌کنید و لغت مورد سؤال خود را می‌خوانید و اگر همین لغت در صفحه ۳۰۰ قرآن کریم پیش آمد، خواهید دید که این لغت در همان صفحه نیز تکرار شده است. دلیل این صفحه‌آرایی این بود که اولاً مراجعه به لغت‌های قرآن برای عموم آسان شود و جهت اصلی این بوده است که یافتن لغت در لغت‌نامه از طریق ریشه‌یابی برای خیلی‌ها مشکل است. خود بنده وقتی لغت (مستقلاً: چرت، خواب سبک) را بررسی می‌کردم، مدتی طول کشید تا ریشه آنرا که (وَسَن) است پیدا کنم.

۲- این لغت‌نامه تفسیری به این دلیل کتاب مطالعه است که به انسان قدرت تدبیر و تحلیل قرآنی می‌دهد. مثلاً در این کتاب گفته شده است [توضیح اَسْلَمَ: این کلمه دو ترجمه دارد: ترجمه به صورت فعل لازم، تسلیم شد - ترجمه به صورت فعل متعدی - تسلیم کرد - ابراهیم علیه السلام تسلیم خدا شد، مفهوم روشن است ولی وقتی می‌گوئیم ابراهیم تسلیم کرد، باید پرسید چه چیزی را تسلیم کرد! اینجا است که باب تدبیر به روی انسان باز می‌شود.

مآخذ لغت‌ها

مآخذ لغت‌ها در آخر کتاب نام برده شده است ولی گاهی به خاطر اهمیت لغت، در بعضی موارد، نام مآخذ در کنار لغت ذکر شده است.

تذکر: ممکن است یک لغت، معانی متعددی داشته باشد ولی ما آن معانی را آورده‌ایم که در این آیات کاربرد دارد.

اگر به این لغت‌نامه مراجعه کنید خواهید دید آمده است لَوْ بَأْنَ چه فرقی دارد یا سَمِعَ بِأَبْصَرٍ چه فرقی دارد. خَلَقَ همه می‌دانند یعنی آفرید؛ ولی در اینجا فرق خَلَقَ و خُلِقَ و خُلِقَ ذکر شده است. در این لغت‌نامه توضیح داده شده که لَعَلَّ همیشه به معنای شاید نیست. به این نمونه‌ها دقت کنید:

فرق «وَقُود» با «حَطَبٌ»: وَقُود هیزم در حال اشتعال است؛ ولی حَطَبٌ از هیزم در حال اشتعال و هیزم در انبار است. فرق «مَدْح» و «حَمْدٌ»: مدح یعنی ستایش کردن؛ حَمْدٌ در تقبیل، به حد نصاب قبول نرسیده؛ چیزی به خاطر کمالی که دارد؛ اعم از آنکه آن ولی موفی به لطف خود می‌پذیرد.

فرق «عَجْزٌ» و «ضَعْفٌ»: ضَعْفٌ، کمبود قدرت است و عَجْزٌ، نبود قدرت.

فرق معنایی «كَانَ»: كَانْ سه معنا دارد: ۱- ماضی بعید (بود) ۲- ماضی حدیث (الآن شد) ۳- كَانْ در مورد خدا بدون زمان است. (كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا) یعنی خدا عالم است.

فرق «تَسْبِيحٌ» و «تَقْدِيسٌ»: تَسْبِيحٌ، عبادت و یاد کردن خداست به صفات کمال، مانند علم و قدرت و مهربانی (صفات اثباتی)؛ ولی تَقْدِيسٌ، منزّه دانستن خداست از صفات

مادی و زمان و مکان و محدودیت‌ها (صفات انکاری، سلبیه).

دست دیگری است؛ ولی غلاف قلبی است که اختیار آن در دست خود انسان است، یعنی ما خودمان قلبمان را غلاف کردیم.

فرق «مُلْك» و «مَلَكُوت»: مَلَكُوت یعنی فرمانروایی خدا بر ظاهر و باطن عالم. (مفردات / مجمع).

فرق «تَوَفَّى» و «مَوْت»: موت همان خروج روح از بدن است؛ ولی تَوَفَّى به معنای تحویل گرفتن است و ناظر به ورود محتضر به عالم دیگر است که از آن طرف تحویلش می‌گیرند (مقایس اللغه ۶/ ص ۱۲۹). وقتی نوزاد را در رحم نگاه می‌کنیم، او به سوی بیرون رانده می‌شود؛ ولی وقتی از بیرون نگاه می‌کنیم، او را تحویل می‌گیرند.

مُلْك دارای سه حرف است؛ ولی مَلَكُوت دارای پنج حرف و چون کثرت حروف بر کثرت معنا دلالت می‌کند پس مُلْك فرمانروایی بر ظاهر و ملکوت، فرمانروایی بر ظاهر و باطن است.

فرق «تَسْبِيح» و «ذِكْر»: ذکریاد کردن خداست؛ ولی تسبیح، غرق و فانی شدن در ذکر الهی است. اصل تَسْبِيح و تَسْبِيح به معنای شناگری است. همان‌طور که شناگر هر آب غرق می‌شود، باید غرق در ذکر الله شود. تسبیح است.

فرق «تَسْبِيح» و «ذِكْر»: ذکریاد کردن خداست؛ ولی تسبیح، غرق و فانی شدن در ذکر الهی است. اصل تَسْبِيح و تَسْبِيح به معنای شناگری است. همان‌طور که شناگر هر آب غرق می‌شود، باید غرق در ذکر الله شود. تسبیح است.

فرق «عَوَج» و «انْحِرَاف»: در انحراف جهت شیء تغییر می‌کند (تغییر در جهت حرکت ماشین) و در عَوَج خود شیء دچار کجی و تغییر می‌شود (تغییر در خود ماشین) (الفروق).

فرق «عَوَج» و «انْحِرَاف»: در انحراف جهت شیء تغییر می‌کند (تغییر در جهت حرکت ماشین) و در عَوَج خود شیء دچار کجی و تغییر می‌شود (تغییر در خود ماشین) (الفروق).

فرق «تَوْبَةٌ» با حرف «إِلَى» و «عَلَى»: توبه با حرف «إِلَى» فعل عبد است؛ زیرا «إِلَى» فاصله را می‌رساند که عبد با گناه از خدا دور افتاده است؛ ولی توبه با حرف «عَلَى» توبه و روگردن خداست؛ چرا که بازگشت خدا بر بنده از بالا به پایین است. عَلَى به معنای «بر» است.

فرق «تَوْبَةٌ» با حرف «إِلَى» و «عَلَى»: توبه با حرف «إِلَى» فعل عبد است؛ زیرا «إِلَى» فاصله را می‌رساند که عبد با گناه از خدا دور افتاده است؛ ولی توبه با حرف «عَلَى» توبه و روگردن خداست؛ چرا که بازگشت خدا بر بنده از بالا به پایین است. عَلَى به معنای «بر» است.

فرق «عُلْف» با «قُفْل»: اختیار و کلید قفل در

روح بی‌خبران از آینده است.